

سرمایه‌ی اجتماعی چیستی، مؤلفه‌ها و رابطه‌ی آن با دین*

□ محمود اصغری^۱

چکیده

در این نوشتار، دین به مثابه بستری مناسب برای ایجاد، حفظ و تقویت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، که عبارتند از اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. برای دستیابی به این هدف، پس از بحث و بررسی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی از منظر جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران و نیز بیان مؤلفه‌ها، به نقش دین و جایگاه آن در کارآمد ساختن عناصر اصلی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و دستیابی به اهداف آن پرداخته شده است.

فرض ما در این نوشتار بر این است که در اسلام رابطه‌ی تنگاتنگی بین دین و ارزش‌های دینی و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد که از طریق توسعه و نهادینه سازی ارزش‌های دینی می‌توان بستر مناسبی برای حفظ و تقویت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی فراهم ساخت؛ زیرا نتیجه‌ی کارکردی دین و ارزش‌های دینی در ساحت اجتماعی چیزی جز حفظ، تقویت و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۸.

۱. عضو پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نخواهد بود.
واژگان کلید: دین، سرمایه‌ی اجتماعی، مؤلفه‌ها، اعتماد اجتماعی، انسجام
اجتماعی، مشارکت اجتماعی.

مقدمه و طرح مسأله

انسان به طور ذاتی در تعامل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل و نقش آنها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیرممکن می‌سازد.

دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه‌ی اجتماعی نامیده‌اند. مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در برگزیده‌ی مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدف‌مندی را شکل می‌دهند و آنها را در جهت دست‌یابی به هدف‌های ارزش‌مند هدایت می‌کند. امروزه سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه‌ی فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی انسجام بخش میان انسان‌ها و سازمان‌هاست. از این‌رو در غیاب سرمایه‌ی اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه‌ی اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود.

از این‌رو شناخت عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند در گسترش ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی کمک کرده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی آن، و بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه‌ی انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد شود.

در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی، مباحث متنوع و متفاوتی را می‌توان مطرح نمود، ولی آنچه موضوع اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد و در قالب فرضیه

در نظر گرفته شده است ارتباط دین با سرمایه‌ی اجتماعی است و فرض ما بر این است که دین به عنوان مناسب‌ترین بستر برای تقویت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی از کارآمدی بالایی برخوردار است، زیرا دین به سبب برخورداری از برخی ویژگی‌های منحصر به فرد در ایجاد برخی از مهم‌ترین عناصر سازنده‌ی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، نقش بی‌بدیلی دارد و عناصر و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بیش از هر زمینه‌ی دیگری در بستر دین تحقق می‌یابد و هیچ عامل دیگری قدرت رقابت با آن را ندارد. این نوشتار، در سه بخش به این مسأله خواهد پرداخت.

بخش اول: مفاهیم و پیشینه

پیشینه شناسی

قدمت تاریخی این مفهوم

مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی مثل برخی از دیگر مفاهیم جامعه‌شناختی، مفهوم نسبتاً جدیدی است که در ادبیات جامعه‌شناسان نخستین، به صورت صریح و روشن بدان پرداخته نشده است. ولی با توجه به کاربردها، مقاصد و تعاریف مخترعان این مفهوم، می‌توان پیشینه‌ی این مفهوم را به طور ضمنی در آراء اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی، در ارتباط انسان‌ها با همدیگر ردیابی نمود (ر. ک: فیلد، ۱۳۸۶، ۱۳؛ پورتس، ۱۳۸۴، ۳۰۶)؛ زیرا طراحان این مفهوم بر عوامل قوام‌دهنده‌ی روابط متقابل انسانی نام سرمایه‌ی اجتماعی نهاده‌اند.

پیدایی این اصطلاح

اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب، به نام مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی به کار رفته است، این اصطلاح در

دهه‌ی ۱۹۸۰ توسط جیمز کلنن، جامعه‌شناس آمریکایی، در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفت (کلنن، ۱۳۷۷، ۴۶۲) و رابرت پاتنام، دانشمند علوم سیاسی، از جمله کسانی بود که بحثی قوی و پرشور و جاذبه‌ای را در مورد سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه‌ی مدنی در ایتالیا و ایالات متحده برانگیخت (ر.ک: پاتنام، ۱۳۸۴، ۹۵).

پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی نیز نظریه‌ی بسط یافته‌ای از سرمایه‌ی اجتماعی را مطرح نموده و مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از نظر بوردیو سرمایه همزمان هم مربوط به علم اقتصاد است و هم مجموعه‌ای از روابط مبتنی بر قدرت که قلمروها و تعاملات اجتماعی مختلفی را به وجود می‌آورد و معمولاً نامرتبط با علم اقتصاد تصور می‌شود (بوردیو، ۱۳۸۴، ۱۴۷).

با توجه به آنچه گفته شد، سرمایه‌ی اجتماعی واژه‌ای است که به تازگی وارد حوزه‌ی علوم اجتماعی گردیده است. از این رو، در زمینه‌ی بررسی روند و یافتن علت و عوامل تأثیر گذار بر آن مطالعات وسیعی توسط صاحب‌نظران و دانشمندان علوم مختلف، از جمله نظریه‌پردازانی همچون جین جاکوب، پیر بوردیو، جیمز کلنن، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما (ر.ک: فوکویاما، ۱۳۸۴، ۱۶۷) صورت گرفته که تعاریف متعددی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه کرده‌اند.

تعریف سرمایه‌ی اجتماعی

جیمز جاکوب در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی سرمایه‌ی اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسؤلیت بیشتری از خود نشان می‌دهند (فیلد، ۱۳۸۶، ۸۵).

از نظر پیر بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه‌ی مالکیت شبکه‌ی بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل بین افراد - یا به بیان دیگر عضویت در گروه - است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه‌ی جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (بوردیو، ۱۳۸۴، ۴۲). البته سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه‌ی پیوندهاست. در واقع پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد.

به خلاف بوردیو، کلمن از واژگان مختلفی برای سرمایه‌ی اجتماعی کمک گرفت. وی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه‌ی اجتماعی از کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه داد و نه تعریفی ماهوی. بر این اساس سرمایه‌ی اجتماعی شیء واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه‌ی آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دست‌یابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷، ۷۱).

بنابراین از نظر کلمن سرمایه‌ی اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون این چارچوب می‌شود، به گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دست‌یابی به هدف معین هزینه‌ی بیشتری به افراد آن جامعه تحمیل کند (همان، ۷۷).

از نظر پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی،

شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند (پاتنام، ۱۳۷۹، ۳۴).

پاتنام بین دو شکل اولیه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تمایز قائل می‌شود که عبارت است از سرمایه‌ی اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی (یا انحصاری). سرمایه‌ی اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد و سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود. فوکویاما سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و سبب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (همان، ۴۱). فوکویاما سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان یک پدیده‌ی جامعه‌شناختی مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او سرمایه‌ی اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارد و هرچه قدر شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه‌ی اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و به تبعیت از آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت (فوکویاما، ۱۳۸۴، ۵۲).

مرز مشترک تعاریف

آنچه از تعاریف متعدد سرمایه‌ی اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم دربردارنده‌ی مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده به نحوی که گروه را به سمت دست‌یابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود هدایت می‌کند. بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی که از تعهدات اجتماعی ساخته شده است جنبه‌ای از ساخت اجتماعی را در خود دارند و واکنش معینی از کنش‌گران را در درون این ساختار تسهیل می‌کنند. به طور خلاصه می‌توان گفت سرمایه‌ی اجتماعی از مجموعه‌ی هنجارها

و ارزش‌های موجود در سیستم‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می‌شود و این هنجارها و ارزش‌ها حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی است که دارای ویژگی اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی و غیره است. مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا جامعه شکل‌دهنده‌ی نظامی هدف‌مند است که باعث دست‌یابی به اهداف ارزش‌مند گروه می‌شود. از این رو شناخت عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به جوامع، در گسترش ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی کمک نموده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی آن در جوامع گردد.

بخش دوم: مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

الف - اعتماد اجتماعی

از جمله مؤلفه‌ها و عناصر مهم سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی به معنای این باور است که دیگران با انجام کنشی یا اجتناب از آن، به رفاه من یا دیگران کمک و از آسیب رساندن به من یا دیگران پرهیز می‌نمایند. به عبارت دیگر اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود (رحمانی و امیری، ۱۳۸۶، ۸۵)، که در قالب اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای مذکور به یکدیگر و اعتماد حکومت و این نهادها به مردم، به وجود می‌آید.

عناصر اعتماد ساز

اعتماد اجتماعی در بستر ارزش‌های اخلاقی از جمله درست‌کاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت شکل می‌گیرد. در واقع اعتماد حلقه‌ی واسط میان

همکاری متقابل بین افراد و سازمان‌هاست. چنان‌که پاتنام معتقد است بین اعتماد و همکاری متقابل، همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی به میزان افزایش اعتماد در میان کنش‌گران اجتماعی، همکاری و سهولت در کنش نیز افزایش می‌یابد. اعتماد عنصر غیراختیاری و ناآگاهانه نیست، بلکه مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازی‌گر مستقل است که این پیش‌بینی در اجتماعات، بر اعتماد صمیمانه و در جوامع بر اعتماد غیرشخصی و غیرمستقیم استوار است (پاتنام، ۱۳۷۹، ۲۹۴).

به عقیده‌ی پاتنام، اعتماد شخصی و صمیمانه، که در مواجهات رودررو محدود می‌شود و با نوع خاصی از سرمایه‌ی اجتماعی در قلمرو خود مرتبط است، از طریق هنجارهای معاملی متقابل متوازن و عمومی، به اعتماد تعمیم یافته یا اجتماعی تبدیل می‌شود و سرمایه‌ی اجتماعی تعمیم یافته در سطح جامعه را ایجاد می‌کند؛ هنجارها از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، به افراد تلقین و تثبیت می‌شود. هنجارهای معاملی متقابل نسبت به شبکه‌های مشارکت مدنی، کنش‌های متقابل و قاعده‌ی همگانی نظریه «بازی‌ها» مهم‌ترین عوامل ایجادکننده‌ی اعتمادند؛ زیرا مانع فرصت‌طلبی‌ها و هنجارشکنی افراد گردیده، و مشکلات عمل جمعی را حل می‌نمایند و اعتماد را به وجود می‌آورند (همان، ۲۹۵).

بنابراین، اعتماد اجتماعی مؤلفه و نتیجه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است. در واقع سرمایه‌ی اجتماعی به وسیله‌ی اعتماد شناخته می‌شود و رابطه‌ی دو سویه‌ای با آن دارد. از یک سو، اعتماد اجتماعی سرمایه‌ی اجتماعی را به وجود می‌آورد، و از دیگر سو، اگر در جامعه‌ای سرمایه‌ی اجتماعی به اندازه‌ی کافی وجود داشته باشد، اعتماد میان افراد جامعه تقویت می‌گردد.

ب - انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی، که در قالب ارتباطات اجتماعی تبلور و ظهور می‌یابد، یکی از

سه مؤلفه‌ای است که مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده‌ی آن ارتباطات اجتماعی است، که در بیشتر تعریف‌های سرمایه‌ی اجتماعی به طور صریح یا ضمنی ذکر شده، زیرا افراد از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی با یکدیگر، به راحتی، بسیاری از کارهایی را انجام می‌دهند که به تنهایی قدرت انجام آنها را ندارند و یا به دشواری انجام می‌دهند. در درون شبکه‌های ارتباطی، ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی در میان افراد بسط و توسعه پیدا می‌کند و در پی آن، دیدگاه مشترک افراد بیشتر می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌ی اجتماعی غنی‌تر می‌شود. لذا به نظر فیلد ارتباط بین شبکه‌ای و ارزش‌های مشترک در قلب سرمایه‌ی اجتماعی جای دارد (همان، ۲۹۶-۲۹۷).

فوکویاما نیز بر این باور است که اگر افراد در یک دوره‌ی طولانی با یکدیگر در ارتباط باشند، سرمایه‌ای به واسطه‌ی شهره‌شدن به درست کاری و قابل اعتماد بودن می‌اندوزند (فوکویاما، ۱۳۸۴، ۱۹۰).

ج - مشارکت اجتماعی

از دیگر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت اجتماعی است. مشارکت اجتماعی به معنای شرکت فعال و سازمان یافته‌ی افراد و گروه‌های اجتماعی در امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و به عقیده‌ی بسیاری از اندیشمندان، از جمله پاتنام، تأثیر مستقیمی بر میزان سرمایه‌ی اجتماعی دارد. هر قدر شبکه‌های ارتباط اجتماعی متراکم‌تر باشند احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل مشارکت و همکاری کنند؛ زیرا مشارکت اجتماعی از طریق کاهش هزینه‌های بالقوه‌ی عهدشکنی، و نیز کاهش فضای ابهام‌آمیز و غیرشفاف، تقویت هنجارهای معامله‌ی متقابل، ایجاد حس اعتماد به دیگران از طریق تسهیل ارتباطات و ارائه‌ی الگوی همکاری نسبت به آینده، زمینه‌ی همکاری و اعتماد به یکدیگر را در میان کنش‌گران افزایش می‌دهد (پاتنام،

نکته‌ای که در اینجا لازم است بدان توجه شود این است که همه‌ی این مؤلفه‌ها و عناصر با یکدیگر در ارتباط و پیوند هستند و یک تعامل چند سویه میان آنها برقرار است.

بخش سوم: رابطه‌ی دین با سرمایه‌ی اجتماعی

تأثیر دین در تقویت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

پس از تبیین مفهوم و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی به بررسی و تحلیل رابطه‌ی دین با سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته می‌شود.

صاحب‌نظران بسیاری مانند فوکویاما، گریلی، وارنر، روف و آمرمان از «دین» به عنوان عامل موجد سرمایه‌ی اجتماعی یاد نموده‌اند (ر. ک: شجاعی زند، ۱۳۸۱، ۴۸۵). در رابطه با اسلام، پارسونز بر این باور است که در اسلام زمینه‌ی بروز سرمایه‌ی اجتماعی به خاطر جهت‌گیری مثبت آن به سوی دنیا و نسبت به جامعه و سیاست و تأکید فراوان بر مسؤولیت‌های اجتماعی مؤمنان به مراتب افزون‌تر و قدرت‌مندتر از ادیان دیگر است (پارسونز، ۱۳۷۹، ۷۰).

در اسلام، آموزه‌های متعددی وجود دارند که هر کدام مبلغ و مؤید و مقوم و سازنده‌ی عناصر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی هستند که به هر کدام، به اختصار پرداخته می‌شود:

اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی، همچنان که گذشت، روح سرمایه‌ی اجتماعی است و از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی به شمار می‌آید. در تمام جوامع انسانی، نوعی «تقسیم کار» در میان افراد حاکم بوده است. آنچه در این رابطه مهم است

این است که افراد به طور آزادانه و به عنوان «وظیفه» و «تکلیف»، وظایفشان را در رابطه با یکدیگر انجام دهند. تحقق چنین وضعیتی در زندگی سالم اجتماعی، در گرو آن است که افراد اعتماد و اطمینان داشته باشند که کنش‌گران اجتماعی قوانین، هنجارها و حقوق خود و دیگران را محترم تلقی نموده، عدالت و مهرورزی نسبت به همدیگر را مقدس به حساب می‌آورند و هر کس خود را در هر وضعیت، در قبال اجتماع، متعهد و مسؤول می‌داند. چیزی که بیش از هر امر دیگر حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی تزریق می‌نماید، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد و همه‌ی افراد را مانند اعضای یک اندام به هم پیوند داده، متحد می‌کند، دین و ارزش‌های دینی است (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲، ۴۷). به تعبیر شهید مطهری علیه السلام، زندگی اجتماعی بشر براساس محترم شمردن پیمان‌ها، میثاق‌ها، قراردادهای و وفای به عهدهاست. وفای به عهد و پیمان یکی از ارکان مهم تمدن بشری است. این نقش را همواره دین به عهده داشته و هنوز جانشینی برای آن پیدا نکرده‌اند (همان، ۱۷۲).

برخی از ساز و کارهایی که از طریق آن دین اسلام اعتماد اجتماعی را ایجاد، حفظ و تقویت می‌کند و آن را از سایر مکاتب ممتاز می‌سازد، عبارتند از:

۱) اصل وفای به عهد و ادای امانت

یکی از عوامل مقوم اعتماد در روابط اجتماعی انسان‌ها، وفای به عهد و پیمان است. اگر این اصل نادیده انگاشته شود، روابط انسانی به شدت دچار اختلال گردیده، بنای عظیم جامعه دست‌خوش فروپاشی می‌گردد؛ زیرا روابط میان انسان‌ها به شدت، به قراردادهای، پیمان‌ها و تعهداتی وابسته است که کنش‌گران اجتماعی نسبت به یکدیگر دارند. در صورتی که کنش‌گران اجتماعی به قراردادهای و پیمان‌های خود عمل نکنند، ناهنجاری اجتماعی بروز می‌نمایند. اهمیت وفای

به عهد وقتی بیشتر روشن می‌شود که ریشه‌ی همه‌ی ارزش‌های اجتماعی به قرارداد و تعهدات اجتماعی رسمی و غیررسمی، آگاهانه و ارتکازی برگردانده شود؛ چنان که امور اساسی جهان نوین مانند دموکراسی و تقسیم کار بر این اصل استوارند، و اگر این اصل نادیده انگاشته شود، ارکان اصلی جهان نوین فرو خواهد ریخت.

اصل «وفای به عهد»، به عنوان یکی از اصول اساسی در ایجاد اعتماد، در آموزه‌های دینی مورد تأکید فراوان قرار گرفته و در آیات قرآن، وفای به عهد و پیمان از نشانه‌های ایمان معرفی شده است (ر. ک: توبه، ۷، مائده، ۱، اسراء، ۳۴ و مؤمنون، ۸).

قرآن کریم آن جا که به بیان کارهای نیک می‌پردازد، وفای به عهد را یکی از مصادیق کار نیک دانسته و افراد نیکوکار را به پاس کارهای نیک‌شان می‌ستاید.

«وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره، ۱۷۷)؛ و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند.

در آیه‌ی دیگری با صراحت به وفای به عهد فرمان می‌دهد و انسان را در برابر تعهدات خود، مسؤول می‌داند.

«وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء، ۳۴)؛ و به پیمان (خود با دیگران) وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.

در دو آیه نیز در مقام معرفی مؤمن و بیان صفات لازم و برجسته او می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون، ۸)؛ و آنان (مؤمنان) که امانت‌ها و عهد خود را رعایت کنند.

در احادیث و روایات معصومین علیهم‌السلام نیز نمونه‌های فراوانی وجود دارند که به

وفای به عهد تشویق و ترغیب نموده‌اند. برای نمونه، در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليف اذا وعد» (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ۳۴۶)؛ کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد باید به عهدش وفا نماید. در کلامی دیگر از پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله، وفای نیکو به عهد و پیمان جزئی از ایمان دانسته شده است. «حسن العهد من الايمان» (حرانی، ۱۳۶۲، ۴۷)؛ حسن عهد جزء ایمان است. علاوه بر آیات و روایات، سیره‌ی عملی معصومین علیهم السلام نیز روشن‌گر این حقیقت است.

۲) اصل صداقت

صداقت در پندار، گفتار و کنش نقش مهمی در تعاملات اجتماعی دارد؛ زیرا افراد معتقد به خدا وقتی براساس صداقت در عرصه‌های زندگی اجتماعی گام برمی‌دارند، بیش از همه مورد اعتماد دیگران قرار می‌گیرند و دیگران به آنها اعتماد می‌کنند؛ بنابراین، اگر در جامعه‌ای افراد از روی صداقت به تعامل با یکدیگر بپردازند، بیش از هر جای دیگری در آن اعتماد وجود دارد.

۳) اصل مساوات و نفی تبعیض و استثمار

یکی از اصولی که در اسلام در ایجاد اعتماد اجتماعی و بالتبع، ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی نقش دارد، اصل مساوات و نفی تبعیض است. مطابق شریعت اسلام، تمام انسان‌ها به حسب گوهر و ذات، برابرند. مردم از این نظر، دوگونه یا چندگونه آفریده نشده‌اند. رنگ، خون، نژاد، قومیت و عواملی از این قبیل هیچ‌کدام از نظر اسلام، ملاک برتری و تفوق به شمار نمی‌آیند. به همین دلیل، اسلام با هر نوع نظام قشربندی و طبقه‌بندی مبتنی بر عوامل مزبور، که زمینه‌ی

ناخرسندی، ناامنی و ستم را در جامعه فراهم می‌نماید، مبارزه کرده و هرگونه استثمار و مطلق بهره‌کشی بلاعوض گروهی از انسان‌ها از دیگران را نفی نموده و بین ماهیت استثماری کار و عدم مشروعیت آن ارتباط و تلازم برقرار نموده است. در صورتی که این اصل در جامعه زنده باشد، افراد جامعه همواره با اطمینان با یکدیگر به تعامل می‌پردازند.

۴) تقوا و نظم

یکی از مؤثرترین و اصلی‌ترین عوامل ایجاد اعتماد در جامعه، ایمان به دین و رعایت تقوای الهی است، زیرا در جامعه‌ای که این دو اصل زنده و نیرومند باشند هیچ‌کس به حقوق دیگران تعدی نمی‌کند و هنجارهای اجتماعی را نقض نمی‌نماید و از این طریق، نظم و امنیت در جامعه حفظ می‌شود و اعتماد در میان افراد نهادینه می‌شود. بی‌جهت نیست که هیچ ارزش اخلاقی دیگری، به اندازه‌ی تقوا مورد سفارش و دستور الهی قرار نگرفته است و هیچ گروهی به اندازه‌ی متقین مورد ستایش واقع نشده‌اند (ر. ک: بقره، ۱۹۴؛ اعراف، ۱۲۸ و توبه، ۷ و...).

نظم نیز به طور مکرر، در احادیث و روایات مورد سفارش قرار گرفته است (ر. ک: محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ۶۹۸۶). نظم را می‌توان حالتی از استقرار عناصر و اجزای اجتماع در نظر گرفت که به صورت هماهنگ و مکمل عمل می‌کنند و با عدم تداخل در کارکرد دیگر اجزا، روند قابل پیش‌بینی اتفاقات آینده را تسهیل می‌بخشند. تقوا و نظم موجب می‌شود جامعه از بی‌ثباتی و بی‌پروایی و هرج و مرج در امان بماند و با کم کردن هزینه‌ها، زمینه‌ی افزایش اعتماد را فراهم می‌آورد.

با نهادینه شدن این آموزه‌ها در جامعه، ضریب اعتماد و اطمینان افراد نسبت به یکدیگر افزایش یافته، بالتبع، سرمایه‌ی اجتماعی افزایش می‌یابد، زیرا این

آموزه‌ها در جهت تسهیل کنش انسانی هستند.

ب - انسجام اجتماعی

یکی از کارکردهای مهم دین تحکیم و تثبیت روابط اجتماعی میان انسان‌ها و تضعیف و یا زایل نمودن تنش‌ها، اصطکاک‌ها و تعارض‌هایی است که انسجام اجتماعی را به چالش می‌کشند و تعهدات افراد را به رعایت حقوق و وظایف متقابل اجتماعی تنزل می‌دهند. نقش دین در ایجاد انسجام اجتماعی، از این نظر در جوامع نوین اهمیت دارد که سایر عوامل پیوند اجتماعی مانند پیوند مبتنی بر تعلقات قبیله‌ای و خونی اهمیت خود را از دست داده است و از روابط ناشی از آن نمی‌توان به عنوان یک پشتوانه‌ی روانی قابل قبول برای برقراری نظم و انسجام در جامعه بهره گرفت؛ روابطی که طبق دیدگاه برخی از محققان علوم اجتماعی در آن افراد فقط به دنبال منافع شخصی خود هستند. به تعبیر شهید مطهری علیه السلام:

در گذشته، روابط خونی و قبیله‌ای به شدت قوی‌تر از وضعیت موجود بوده و با پیشرفت تمدن، این پیوند ضعیف‌تر شده و روحیه‌ی فردگرایی بر جهان مسلط شده است. به عقیده‌ی ایشان، در چنین وضعیتی نقش عظیم دین در ایجاد ارتباط روشن می‌شود و نیاز بشر را به چیزی که حکم یک روح را داشته باشد و افراد را به یکدیگر پیوند دهد و دوستی و علاقه به سرنوشت یکدیگر را ایجاد نماید، مرتفع می‌سازد. به همین دلیل، جامعه‌ی نوین به مراتب بیش از گذشته به دین نیازمند است و نمی‌تواند از آن بی‌نیاز باشد (مطهری، ۱۳۷۵، ۱۵).

با روشن شدن نقش دین در ایجاد انسجام و ارتباط اجتماعی، اکنون بجاست به عام‌ترین ساز و کارهای موجد انسجام اجتماعی اشاره شود. علاوه بر اصول کلی حاکم بر روابط اجتماعی مانند اصل عدالت، رأفت متقابل، احسان، تقدم مصالح معنوی بر مصالح مادی و سلسله مراتبی بودن حقوق و تکالیف، اسلام به

بیان راه‌کارهای ایجاد و تقویت ارتباط و انسجام اجتماعی در قالب عبادت نیز پرداخته است. تا جایی که در اسلام، فردی‌ترین صورت عبادات و مناسک دینی مانند نماز و حج و برگزاری محافل دینی جنبه‌ی اجتماعی و جمعی دارد.

در واقع، محافل و مجالس دینی هر قدر کم اهمیت باشد اجتماع را به حرکت درمی‌آورد و گروه‌هایی از مردم برای برگزاری این محافل و مجالس گرد هم می‌آیند. پس نخستین اثر آنها این است که افراد را به هم نزدیک می‌کنند، بر تماس‌های‌شان با یکدیگر می‌افزایند و صمیمیت بیشتری ایجاد می‌کنند. محتوای آگاهی افراد از همین رهگذر تغییر می‌کند. همچنان که دین با توصیه به صله‌ی رحم از طریق ایجاد ارتباط بین فرد و خویشاوندان نسبی‌اش خانواده‌ها را به مثابه کوچک‌ترین عنصر اجتماعی به هم پیوند می‌دهد و از این طریق ارتباط مستحکمی میان افراد یک جامعه برقرار می‌نماید و شبکه‌ی روابط اجتماعی و نظام‌های ارزشی مشترکی را میان آنها به وجود می‌آورد.

ج - مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی، مشارکتی است که ریشه در ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی دارد و متأثر از ارزش‌های فرهنگی و شخصیتی جامعه است. از نگاه دینی مشارکت اجتماعی برآمده از حس نوع دوستی است. بر این اساس، در اسلام، اصول فراوانی قرار داده شده‌اند که مشوق افراد در انجام مشارکت در امور اجتماعی‌اند، برخی از این اصول عبارتند از:

تعاون و همکاری

انسان به حکم اجتماعی بودن، در جهت آسایش و تأمین آرامش و امنیت خود، به دیگران نیازمند است و همین نیازها او را در جهت تعاون و مشارکت با دیگران ترغیب، تشویق و گاه مجبور می‌کنند. اصولاً به همان اندازه که انسان‌ها و

جوامع بشری مترقی‌تر و متکامل‌تر می‌گردند، مشارکت و همکاری انسان‌ها نیز باید افزایش یابد، ولی عملاً جوامع انسانی به خاطر رشد روحیه‌ی فردگرایی، در پی سلطه‌ی مطلق عقلانیت ابزاری، دچار حالت ذره‌ای شده‌اند که در آن همکاری، یا وجود ندارد و یا اگر وجود دارد هدف فردی در اولویت قرار دارد؛ یعنی برخورد ابزاری با یکدیگر. در دین اسلام، مشارکت و تعاون یکی از آموزه‌های اصلی است؛ «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده، ۲). اگر این اصل در جامعه نهادینه گردد و مردم بدون توجه به روابط شخصی، نژادی و خویشاوندی، با آنان که به انجام کارهای سازنده و مثبت اقدام می‌کنند همکاری و همیاری نمایند، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی حل می‌شود و جامعه‌ای مملو از تعاون به وجود می‌آید. البته باید دقت نمود تعاون مورد تأکید دین مرادف با همکاری نیست، زیرا شرط لازم در همکاری وجود نیازمندی مشترک است، و حال آن که در تعاون چنین نیست؛ یعنی علاوه بر نیاز مشترک، تمایل انسان‌ها به معاضدت با یکدیگر نیز شرط است. به همین دلیل، گفته می‌شود: رفتار تعاونی نیازمند - دست‌کم - «روح با هم بودن» و اعتماد به یکدیگر است و از این‌رو، تعاون چیزی فراتر و بالاتر از همکاری است. تعاون انگیزه‌ای است که فرد را تشویق و ترغیب می‌کند تا در فعالیت‌های روزمره خود را وقف خدمت به دیگران در جهت نیل به اهداف عالی الهی نماید (ر.ک: زاهدی اصل، ۱۳۷۱، ۸۶).

در مقابل حالت شدید فردگرایی در جوامع نوین، دین اسلام می‌تواند نقش مهمی در ایجاد روحیه‌ی دیگرخواهی ایفا نماید و از این طریق، سلامت، امنیت و رستگاری را در جامعه به ارمغان بیاورد.

مشورت در اسلام

مشورت و مشارکت دادن دیگران در تصمیمات جمعی در امور مهم سیاسی،

اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و به بیان مختصر، آنچه به سرنوشت جامعه مربوط است، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام آن را با دقت و اهمیت خاصی مطرح نموده است و در آموزه‌های دینی و سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی آل عمران به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور می‌دهد که با مسلمانان در امور، به مشورت بپردازد «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» و در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی شوری، مشورت با دیگران را یکی از اوصاف برجسته‌ی مؤمنان در کنار ایمان به خداوند و برپایی نماز قرار داده است.

مسئولیت‌پذیری

یکی از اصول اجتماعی بنیادی مورد نظر دین اسلام، اهتمام مسلمانان و مسئولیت‌پذیری آنان نسبت به یکدیگر است که از آن به «تکافل اجتماعی» نیز تعبیر شده است؛ یعنی مسئولیت و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر دارند. احادیث و روایات زیادی در این زمینه وجود دارد که اهمیت این اصل را می‌رساند. سخن معروف و مشهور پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «من أصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ۲۱۱) بهترین شاهد و گواه است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سرمایه‌ی اجتماعی دو کارویژه‌ی اساسی دارد؛ یکی تقویت شبکه‌ی روابط اجتماعی و دیگری تسهیل فرایند گردش امور. نتیجه این دو کار ویژه، کارامدی و افزایش این سرمایه است تا بتواند کاهش هزینه‌های فعالیت اجتماعی را در پی داشته باشد. براین اساس در رابطه با تأثیر دین بر سرمایه‌ی اجتماعی می‌توان گفت: یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ حیات خود در ساحت اجتماعی، ایجاد، حفظ و تقویت

سرمایه‌ی اجتماعی بوده است، زیرا بسیاری از قواعد، دستورها و اصول اسلامی در کنار کارکردهای گسترده‌ای که دارند، اعتماد، انسجام، و مشارکت اجتماعی را به ارمغان می‌آورند. بنابراین، دین از راه‌های گوناگون تأثیر مهمی بر روی عناصر سازنده‌ی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی گذاشته و می‌گذارد و از آن جا که بیشتر آموزه‌های مؤثر در ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی منحصر به دین هستند، هیچ پدیده‌ی دیگری نمی‌تواند در این جهت، بدیل دین قرار بگیرد و کارکرد و نقش دین را در این زمینه ایفا نماید. گرچه برخی از آموزه‌ها در انحصار دین نیستند، ولی وقتی دین آنها را مورد تأکید قرار می‌دهد رغبت و میل بیشتری در انجام آنها در میان مردم به وجود می‌آید. بنابراین، هر چه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شود رفتار افراد پیش‌بینی پذیرتر خواهد بود، زیرا که افراد در چارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند. از این رو، قابلیت اعتماد افراد بیشتر است و در نتیجه مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم هزینه‌تر صورت می‌گیرد. این همان چیزی است که سرمایه‌ی اجتماعی در پی آن است.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم.

- ۱) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴)، *سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه‌ی مدنی*، در *سرمایه‌ی اجتماعی*، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- ۲) پورتس، آلهاندرو (۱۳۸۴)، *سرمایه‌ی اجتماعی*، خاستگاه و کاربردهایش در *جامعه‌شناسی مدرن*، در *سرمایه‌ی اجتماعی*، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه‌ی حسن پویان و افشین خاکباز، تهران، نشر شیرازه.
- ۳) کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری تهران، نشر نی.

- ۴) بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، «شکل‌های سرمایه»، در: سرمایه‌ی اجتماعی، به کوشش کیان تاجبخش.
- ۵) رحمانی، تیمور و امیری، میثم (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران با روش اقتصادسنجی فضایی»، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، ش. ۷۸.
- ۶) پاتنام، رابرت (۱۳۷۹)، «جامعه‌ی برخوردار، سرمایه‌ی اجتماعی و زندگی عمومی»، در: سرمایه‌ی اجتماعی»، به کوشش کیان تاجبخش.
- ۷) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم - سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- ۸) پاتنام، رابرت (۱۳۷۹)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه‌ی محمد تقی دل‌فروز، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- ۹) شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱)، عرفی شدن در تجربه‌ی مسیحی و اسلامی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۱۰) پارسونز، تالکوت (۱۳۷۹)، ساخت‌های منطقی جامعه‌شناسی دینی ماکس وبر در عقلانیت و آزادی، ترجمه‌ی یدالله موقنی و احمد تدین، تهران، هرمس.
- ۱۱) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ۱۲) مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه‌ی آثار، تهران، صدرا.
- ۱۳) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰)، اصول کافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام.
- ۱۴) حرانی، علی بن الحسین (۱۳۹۸ق)، تحف العقول، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامیه.

۱۵) زاهدی اصل، محمد (۱۳۷۱)، مقدمه بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

﴿۲۲﴾

۱۶) مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا.

۱۷) فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی غلام‌رضا غفاری و حسین رمضانی، تهران، کویر.

۱۸) محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحکمة، همراه با ترجمه‌ی فارسی، قم، دارالحديث، ویرایش سوم.